

مرکز تخصصی مهدویت
حوزه علمیه قم



فصلنامه علمی - تخصصی
سال دهم، شماره ۳۲، بهار و تابستان ۱۳۸۹

آینده پژوهی قرآنی و جایگاه مهدویت در آن

رحیم کارگر*

تاریخ تأیید: ۱۳۸۹/۴/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۲/۲۰

چکیده

آینده پژوهی به عنوان دانش شناخت و شکل دهی به آینده، امروزه جایگاه مهمی در دنیا پیدا کرده و وارد عرصه های مختلف زندگی بشر - اعم از فرهنگ، سیاست، اقتصاد، اجتماع و... - شده است. این دانش نوپدید، با اینکه ریشه در گذشته تاریخ دارد؛ اما سامان جدیدی پیدا کرده و دارای اصول، مبانی، رویکردها و روش های خاصی شده است. از آنجایی که رشد و بالندگی آینده پژوهی در غرب بوده، مبانی و اصول آن نیز از مدرنیته غربی تاثیر پذیرفته و رنگ و بوی اومانیستی و سکولار به خود گرفته است. بر این اساس برای بومی سازی آینده پژوهی، باید پالایش جدی در رویکردها و مبانی آن صورت گیرد و از منظر دینی - بخصوص از منظر قرآنی - به آن پرداخته شود. شناخت رویکردهای آینده شناسانه قرآن و توجه به جایگاه آموزه مهدویت در آن، می تواند کمک شایان توجهی در بومی سازی آینده پژوهی کرده و جنبه های دینی آن را تقویت و یافته های آن را واقعی تر سازد.

کلید واژه ها: آینده پژوهی، آرمان گرایی، غیب شناسی، آینده سازی.

مقدمه

عصر حاضر، عصر آینده پژوهی است و مدیریت آینده، یکی از راهبردهای اساسی برای اداره جامعه بشری به حساب می آید. سرعت تغییرات در دنیای امروز بیشتر

* دانشجوی دکترای مدیریت سیاستگذاری فرهنگی دانشگاه باقر العلوم.

از گذشته است و همه سازمان ها، دولت ها، گروه ها و مردم با پیش بینی آینده، باید خود را برای رودرویی با آن آماده کرده و چشم اندازهای ممکن، متحمل و مرجح را به کمک آینده پژوهی برای خود انتخاب نمایند. امروزه شناخت روندها و توصیف دقیق آینده و ترسیم آنچه در انتظار جوامع است، مقدمه هرگونه طراحی و برنامه ریزی به حساب می آید.

آینده پژوهی به معنای خاص (آینده پژوهی مدرن) دانشی است که در این ۵۰-۶۰ سال اخیر شکل گرفته و توانسته به سرعت، در تمامی عرصه های زندگی وارد شده و نفوذ و اثر گذاری خاصی در آنها داشته باشد. ساخت دنیای مطلوب در آینده، مبتنی بر یک سری شناخت هایی است که براساس احتمالات و طرح آینده های مختلف (ممکن، محتمل و مطلوب) صورت می گیرد و هدف آن گزینش بهترین و مطلوب ترین آنها است. براین اساس بخشی از آینده مربوط به تصویرها، اقدامات و خواسته های انسان ها است که در صورت همراهی با سنت ها و قوانین الهی و توجه به علایم و نشانه هایی که از آینده در معارف دینی مطرح شده، می تواند جامعه را به سوی یک «آینده پژوهی متعالی» سوق دهد و زمینه های رشد معنوی و پیشرفت ما را فراهم سازد. هدف مهم آینده پژوهی ارتقای سطح زندگی انسان هاست که این مهم به روشنی در دین اسلام مطرح شده و آنان را برای رسیدن به فرجام نیک - در دنیا و آخرت - ترغیب کرده است. بررسی و مطالعه آیات الهی، نشان می دهد که قرآن مؤمنان و صالحان را به توجه به آینده و تلاش برای ساختن آینده ای روشن پایدار و انسانی دعوت می کند؛ چنان که به صراحت می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لْتَنْظُرُوا نَفْسًا مَّا قَدَّمْتُمْ لِنَعْدِ﴾ (حشر: ۱۸).

و نیز می فرماید: ﴿أَو لَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَ أَنْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ﴾ (اعراف: ۱۸۵) و ده ها آیه دیگر که به طور مستقیم و غیر مستقیم از دینداران و خردمندان می-

خواهد از فرصت های حال، به طور کامل بهره گرفته و با هوشیاری و بصیرت و اقتدار برای آینده آماده شوند.

با اندیشه و تامل در آیات مربوط به آینده و آینده شناسی در می‌یابیم که قرآن از همه می‌خواهد، آینده را جدی بگیرند و با همه توانایی و علم و دانش خود، به استقبال آن بروند. از این نظر آینده بسیار مهم و قابل توجه است و انسانها همواره باید خود را برای روبه روشن شدن با آن چه در این دنیا و چه در آخرت آماده سازند. بر این اساس قرآن چشم‌اندازی خیره کننده از آینده ارائه می‌دهد که در آن هم هشدار و خطرناک است و هم وعده و بشارت. این نوع نگاه، رویکردی پویا به زندگی است که اگر همراه با آینده پژوهی (دینی باشد)، مؤثرتر و کارسازتر خواهد بود. با توجه به این مقدمه، مسئله ای که فرا روی پژوهشگران قرار دارد، جایگاه آینده پژوهی در قرآن و ارتباط آموزه سترگ و گران سنگ مهدویت با آن است. پس سوال اساسی این مقاله این است که: آینده پژوهی با چه رویکردهایی در قرآن کریم مطرح شده و چگونه می‌توان جایگاه آموزه مهدویت را در آن تبیین کرد؟ برای روشن شدن پاسخ ابتدا نیم نگاهی به آینده پژوهی و رویکردها و اهداف عمده آن می‌اندازیم.

جایگاه و اهداف آینده پژوهی

آینده پژوهی یعنی مهیا بودن برای آینده و استخدام منابع موجود به بهترین وجه ممکن در راستای ارزش‌ها و اهداف. آینده پژوهی مشتمل بر مجموعه تلاش‌هایی است که با استفاده از تجزیه و تحلیل منابع، الگوها و عوامل تغییر و یا ثبات، به تجسم آینده‌های بالقوه و برنامه ریزی برای آنها می‌پردازد. آینده پژوهی منعکس می‌کند که چگونه از دل تغییرات (یا تغییر نکردن) «امروز»، واقعیت «فردا» تولد می‌یابد. آینده پژوهی، در حقیقت تصمیم‌گیری مربوط به آینده در زمان حال است. دانش و بینشی که آینده پژوهی در اختیار انسان می‌گذارد، او را در کسب موقعیت

برتر در عرصه رقابتی یاری رسانده و در نتیجه فهم و درک نیروها و عوامل مؤثر در زمینه فعالیت‌های شخصی و سازمانی، او را درباره تغییرات احتمالی آینده هوشیارتر می‌کند و به همگان اجازه می‌دهد بدانند به کجا می‌توانند بروند (آینده‌های محتمل) و به کجا باید بروند (آینده‌های بایسته) و از چه مسیرهایی می‌توانند با سهولت بیشتری به آینده‌های مطلوب برسند.

سهیل عنایت الله آینده پژوه پاکستانی می‌گوید: آینده پژوهی بررسی نظام‌مند آینده‌های ممکن، محتمل و مرجح، جهان‌بینی‌ها و پشتوانه‌های اساطیری هر آینده است. آینده‌پژوهی از دیرباز مشتمل بر بررسی نیروهای بیرونی و تأثیرگذار بر آینده - طالع‌بینی و پیش‌گویی - بوده که بعدها به سمت مطالعات ساختاری (الگوهای تاریخی تغییر؛ ظهور و سقوط ملت‌ها و نظام‌ها) و عاملیت انسانی (مطالعه و خلق تصاویر مرجح مربوط به آینده) حرکت کرده است (ر. ک: عنایت‌الله: ۱۳۸۸).

اگرچه همیشه «آینده‌پژوهانی» وجود داشته‌اند که به آینده و شیوه‌های بهتر درک تغییر می‌اندیشده‌اند، ولی زمان شکل‌گیری رشته «آینده‌پژوهی» - که ماهیتی کاملاً «بین‌رشته‌ای» دارد- در خلال جنگ جهانی دوم و دوران پس از آن بود. آینده‌پژوهی از دهه شصت آغاز شد و به‌عنوان یکی از رشته‌های جدید علوم، پایه‌ریزی شد. دهه معروف ۱۹۶۰، دهه پیدایش سازمان‌های آینده پژوهی در گوشه و کنار جهان بود. در واقع باید اذعان داشت که بیشتر نویسندگان در قرن اخیر توانسته‌اند با تبیین اصول و موضوعات این علم، راهی نو در برابر آینده پژوهان در آینده بگسترانند. در این کوشش، آینده پژوهان مشهوری مانند: «وندل بل» و «ریچارد اسلاوتر» مشارکت داشتند (اسلاتر، ۱۳۸۴: ۱۱ و ۱۲).

با توجه با این بیان می‌توان پنج دیدگاه کلی را درباره آینده‌پژوهی شناسایی کرد: الف) دیدگاه استنتاجی: پیروان این دسته از روش‌ها معتقدند که آینده، ادامه منطقی گذشته است بنابراین کسی که روندهای گذشته را به خوبی شناسایی

کند، می‌تواند با استفاده از منطق حاکم بر روندهای گذشته، آن‌ها را به سمت آینده گسترش داده و بهترین پیش‌بینی ممکن را به دست آورد. روش‌های تحلیل روند (Trend Analysis) در این دیدگاه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ب) دیدگاه تحلیل الگوها: در این دسته از روش‌ها اعتقاد بر این است که تاریخ تکرار خواهد شد، بنابراین بهترین پیش‌بینی در این دیدگاه، از طریق تحلیل مقایسه‌ای و تطبیقی موقعیت‌های گذشته و ارتباط دادن آنها با آینده‌های محتمل به دست می‌آید. تحلیل‌های تاریخی (Historical Analysis) در این دیدگاه قرار دارند.

ج) دیدگاه تحلیل هدف: پیروان این دسته از روش‌ها معتقدند که آینده توسط باورها و اقدامات افراد، سازمان‌ها و ارگان‌های مهم و کلیدی به وجود می‌آید؛ بنابراین آینده را می‌توان با مطالعه اهداف و آرمان‌های تصمیم‌سازان و افراد مؤثر پیش‌بینی کرد. در حقیقت چشم‌انداز و آرمان‌های افراد و سازمان‌های مؤثر، از آینده محتمل پرده‌برداری می‌کند. ترسیم چشم‌انداز (Visioning) به این دیدگاه اختصاص دارد.

د) دیدگاه آینده‌های متعدد: به باور پیروان این دیدگاه، آینده‌بینی زمانی اثربخش خواهد بود که طیف وسیعی از روندهای حوادث ممکن شناسایی شده و آینده‌های متعدد و مختلفی را با جمع‌آوری اطلاعات از محیط‌های مختلف به تصویر بکشیم نمونه بارز این دسته از روش‌ها تکنیک برنامه‌ریزی بر پایه سناریوها (Scenarios) است.

ه) دیدگاه مکاشفه‌ای: بر این پایه استوار است که آینده به واسطه پیچیدگی‌های حاکم بر آن و توأم بودن با مؤلفه‌های اثرگذار بی‌شمار باید از طریق جمع‌آوری هرچه بیش‌تر اطلاعات و استفاده از فرآیندهای نیمه خودآگاه و کشف و مکاشفه

شخصی رمزگشایی شود. تکنیک دلفی (Delphi) از جمله این روش‌هاست.^۱ بر این اساس آینده‌پژوهی، فرآیندی علمی است که استدلال، انتخاب و اقدام را در می‌آمیزد. وندل بل اهداف آینده‌پژوهی را نه هدف عمده دانسته است: بررسی آینده‌های ممکن؛ بررسی آینده‌های محتمل؛ بررسی تصویرهای آینده؛ بررسی بنیان‌های معرفتی آینده‌پژوهی؛ بررسی بنیان‌های اخلاقی آینده‌پژوهی؛ تفسیر گذشته و تعیین موقعیت حال؛ تلفیق دانش و ارزش برای طراحی حرکت اجتماعی؛ افزایش مشارکت مردمی در تصویرسازی از آینده و طراحی آن؛ ترویج تصویری خاص از آینده و حمایت از آن (وندل بل، ۱۹۹۷):

به طور کلی برای مطالعه در مورد آینده، اهداف مختلفی ذکر کرده‌اند که برخی از آنها به طور خلاصه عبارتند از:

۱. تهیه و تنظیم قواعدی برای تحولاتی که در آینده اتفاق می‌افتد و بر اساس آینده‌شناسی قابل پیش بینی هستند.
۲. شناخت و درک صحیح از مسایل نوظهور و جدید و نحوه برخورد و یا مقابله با آنها.
۳. انجام برنامه‌ریزی بلند مدت و کوتاه مدت و پیشگیری از نتایج زیان بار رویدادهای پیش بینی نشده.
۴. پرهیز از گام نهادن در محیط پرخطر و ناشناخته آینده.
۵. پذیرش و درک اهمیت ایده‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌های مثبت گذشته و حال در خلق و ایجاد آینده در جهان برتر.
۶. پدید آوردن نگرشی سیستماتیک و منظم و منطقی به تحولات آتی که در زندگی انسان‌ها اثر مستقیم دارد. (عیوضی، ۱۳۸۸؛ به نقل از Slaughter, R. New Thiking (for a New Millennium. 1996

با توجه با این اهداف روشن می‌شود که آینده‌پژوهان می‌خواهند علل تغییر را

۱. ر. ک: ضرورت توجه به علم آینده‌پژوهی، مقاله ای از آیتی بهروز اسد نژاد در روزنامه سرمایه.

بشناسند و بر اساس آن نقبی به آینده بزنند. در واقع کلید واژه شناخت آینده تغییر است. تغییر، از دید آنها، از یک سو به فرآیندهای پویایی گفته می‌شود که زیربنای پیشرفت‌های مبتنی بر فناوری هستند و از سوی دیگر، تحول در شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حاکم را در بر می‌گیرد. آینده‌پژوهان برای یافتن نظریه‌هایی تلاش می‌کنند که علاوه بر توضیح چنین تغییراتی، در تشخیص و فهم آن‌ها به مردم کمک کنند. آنان می‌خواهند تعیین کنند که کدام تغییرات پیش‌بینی شده را می‌توان پذیرفت؛ چراکه این تغییرات به شکلی گذرا، خارج از توان کنترل بشر قرار دارند.

در پایان این نکته را نیز باید بدانیم که بخش اعظم آینده‌پژوهی، بر گمانه‌زنی استوار است و از این جهت آینده‌پژوهی می‌تواند علم به شمار می‌آید. علم، گرچه به اقتضای رسالت خود، در جست‌وجوی حقیقت است اما در روش‌ها و ساختارهای منطقی آن، پدیده‌های مشروط، خلاف واقع یا جهت‌دار، تأملات نظری، صورت‌بندی خلاقانه فرضیه‌ها و پیش‌بینی نیز یافت می‌شود. بنابراین از دیدگاه معرفت‌شناسی، میان بسیاری از گزاره‌های علمی و بسیاری از گزاره‌های مطرح شده از سوی آینده‌پژوهان درباره آینده تفاوتی وجود ندارد. گزاره‌های علمی نیز نوعی گمانه‌زنی هستند. اما باید دید که رویکردهای قرآن به آینده‌پژوهی چیست و تفاوت‌های شناخت قطعی آینده با غیب‌گویی چه می‌باشد؟

آینده‌پژوهی در قرآن

شناخت آینده، همیشه مورد توجه مردم و دانشمندان بوده و رویکردها و شیوه‌های مختلفی نیز در این رابطه ارایه شده است. در این میان قرآن دقیق‌ترین و عمیق‌ترین نگاه‌ها را به آینده دارد و رویکردها و اصول مشخص و روشنی در رابطه با آن اتخاذ کرده است. «آینده» کلید واژه اصلی در قرآن جهت ایجاد آگاهی و آمادگی برای داشتن آینده‌ای روشن و متعالی است. این آینده هرچند

برای انسان‌ها مبهم و ناشناخته است؛ اما قابل مطالعه و اندیشیدن و تامل است؛ یعنی امری است که همه باید متوجه آن شده و خود را از هر لحاظ برای شکوهمندی و تعالی آینده آماده سازند. این آینده هم می‌تواند فرجام نهایی انسان در دنیای دیگر باشد و همه آتیه زندگی او در همین دنیا. بر این اساس آینده پژوهی قرآن، معطوف به این است که انسان درباره اعمال و رفتار خود بیندیشد و با دانایی و توانایی‌های خود متوجه آینده باشد و برای رشد و بالندگی آن بکوشد. قرآن می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لْتَنْظُرُ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِعَدَّتِ...﴾ (حشر: ۱۸).

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «برای دنیای خود چنان کار کنید که گویی تا ابد در آن زنده‌اید و برای آخرت خود چنان کار کنید که گویی فردا خواهید مرد» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۱۵۶، ح ۳۵۶۹).

بر اساس آیه‌ای شناخت آینده و اطلاع بر غیب، دارای منفعت و خیر فراوانی برای انسان است؛ زیرا وی را متوجه «خیر و شر» خود و گزینش خیر می‌کند. اما علم قطعی و یقینی به آن، تنها در دست خداست: ﴿قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَ لَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَاسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَ مَا مَسَّنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَ بَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾ (اعراف: ۱۸۸).

بر اساس این آیه هر کس بتواند به غیب دسترسی پیدا کرده و بر آینده قطعی دانا شود، به یقین خیر و منافع فراوانی به دست خواهد آورد؛ اما علم غیب (و شناخت آینده قطعی)، اختصاص به خدا دارد و غیر او هرچه باشد، وجودش محدود است و ممکن نیست که از حدش بیرون شده و به آنچه که خارج از خدا و غایب از اوست، آگاه شود و معلوم است که هیچ موجودی، غیر محدود و غیر متناهی و محیط به تمام اشیاء نیست، مگر خدای تعالی. پس تنها او عالم به غیب است. در این راستا پیامبر خدا می‌فرماید: علم غیب (شناخت آینده) آدمی را به تمامی خیرها و شرها واقف می‌سازد و عادتاً معقول نیست کسی که به همه خیرها

و شرها اطلاع دارد، از اطلاعات خود استفاده نکند و اگر کسی تمامی خیرات را به خود جلب نکرده و همه شرور را از خود دفع نمی‌کند، باید بفهمیم که قطعاً علم غیب نداشته است.^۱

البته دانش آینده پژوهی به یقین پایین‌تر از «علم غیب» است و تنها گمانه زنی و بررسی حدسیات و احتمالات از طریق شواهد و ادله مختلف است که می‌تواند موجب دسترسی به فرصت‌ها و دوری از تهدیدها و شرها در حد و توان خود شود و افراد را آماده رویارویی با آینده‌های ممکن و رسیدن به آینده مطلوب سازد. ناگفته نماند گوشه‌ای از علم غیب الهی، از طریق پیامبر و امامان معصوم به مردم بیان شده و اخبار غیبی زیادی از آینده در منابع دینی نقل شده است که می‌تواند برای «آینده پژوهی» بسیار راهگشا و اساسی باشد. با توجه به تفاوت غیب گویی و آینده پژوهی، رویکردهای آینده شناسی قرآن را می‌توان درامور زیر شمارش کرد:

۱. آینده شناسی گذشته نگر

روند شناسی و تحلیل روند یکی از روش‌های آینده پژوهی است که عمدتاً بر شناسایی روندهایی می‌پردازد که از گذشته وجود داشته و احتمالاً تا آینده نیز امتداد خواهد یافت. این مسئله می‌تواند مبتنی بر شناسایی مولفه های فراوانی از تاریخ و... باشد که از منظر قرآن به بخشی از آنها «سنت های تاریخی» گفته می‌شود. گذشته همواره کلید شناخت آینده به حساب می‌آمده و پند و عبرت گرفتن از حوادث و رویدادهای پیشین، منجر به تغییر روش‌ها و منش‌ها و عدم گرفتار آمدن به وضعیت گذشتگان است. قرآن می‌فرماید: ﴿وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَحِيصٍ * إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرٍ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَ هُوَ شَهِيدٌ﴾ (ق: ۳۶ و ۳۷).

براساس این آیه، هر آن، احتمال نابودی و هلاکت عده‌ای از مردم به جهت

۱. ر.ک: محمد حسین طباطبایی، ۱۳۸۶: ج ۸، ص ۴۸۵.

دوری از حق و حقیقت وجود دارد. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «کلمه قلب به معنای آن نیرویی است که آدمی به وسیله آن تعقل می‌کند و حق را از باطل تمیز می‌دهد. خیر را از شر جدا و نافع را از مضرّ فرق می‌گذارد و اگر تعقل نکند و چنین تشخیص و جدا سازی نداشته باشد، در حقیقت وجود او مثل عدم او خواهد بود؛ چون چیزی که اثر ندارد، وجود و عدمش برابر است و معنای القای سمع همان گوش دادن است. کانه انسان در هنگام گوش دادن به سخن کسی، گوش خود را در اختیار او می‌گذارد تا هر چه خواست به او بفهماند و کلمه «شهادت»، به معنای حاضر و مشاهده کننده است. (طباطبایی، ۱۳۸۶: ج ۳، ص ۲۴۹).

از طرف دیگر یکی از رویکردهای آینده‌شناسانه قرآنی، سنت شناسی تاریخی است. این رویکرد مبتنی بر یک سری قوانین و قواعدی است که تحت عنوان «سنت» شناخته می‌شود. به طور کلی می‌توان سنت‌های الهی را به یک اصل کلی و قاعده عمومی برگشت داد و آن اینکه: هر گاه جامعه، امکانات و توانایی خود را در مسیری که از جانب خدا و به وسیله پیامبران تعیین شده است، قرار دهد و خود را با عالم هستی، منطبق سازد و بین خود و اراده الهی رابطه ایجابی برقرار کند و مسئولیت خود را در برابر حق بشناسد، چنین جامعه‌ای صعود می‌کند و قابلیت بقا می‌یابد و آینده‌ای روشن فراروی خود دارد. در مقابل اگر جامعه‌ای با اراده الهی، رابطه سلبی داشته باشد و امکانات خود را نه در راه رسیدن به تکامل انسانی؛ بلکه در راه هوس‌های زودگذر قرار بدهد، چنین جامعه‌ای دیر یا زود تاوان این انحراف از مسیر حق را داده، دچار سرنوشت شومی خواهد شد. این نوع رویکرد کمک شایان توجهی به شکل‌گیری آینده پژوهی دینی می‌کند؛ یعنی، شناخت سنن و قوانین الهی حاکم بر جهان و تشخیص مسیر و جهت‌های این سنن‌ها، باعث کشف و شناخت هرچه بیشتر رویدادها و حوادث آینده می‌کند.

۲. آینده شناسی غیبی (وحيانی)

غیب گویی و پیشگویی وحيانی، مهم ترین رویکرد قرآن در شناخت آینده است. غیب گویی، به معنای خبر دادن از امور پنهانی و نا معلوم است. هنگامی که آفتاب از دیدگان انسان مستور و پنهان می گردد، می گویند: «غابت الشمس»؛ یعنی آفتاب پنهان گردید. قرآن چیزهایی را که از قلمرو حس بشر بیرون می باشد (مثل علم به آینده)، «غائبة» می گوید: ﴿وَمَا مِنْ غَائِبَةٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾ (نمل: ۷۵). قرآن در آیات متعددی، خدا را با صفت ﴿عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ﴾ (انعام: ۷۳؛ توبه: ۹۴؛ و رعد: ۹؛ مؤمنون: ۹۲ و...) توصیف می کند؛ مقصود این است که علم او بر آنچه که از قلمرو حواس بشر خارج است، یا در قلمرو حواس او قرار دارد، محیط و مسلط بوده و او بر همه چیز آگاه است. آگاهی از غیب باید از تمام قرائن و شواهد تجربی، پیراسته باشد و از طریق اسباب عادی و مجاری علمی به دست نیاید. از باب نمونه پیامبر اسلام از طریق وحی قرآنی، از پیروزی مجدد رومیان بر پارسیان، در مدت محدودی به طور قطع و یقین گزارش داد و فرمود: ﴿فِي أَذْنِي الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ﴾ * فِي بَضْعِ سِنِينَ؛ (روم: ۴۳) برای گزارش پیامبر ﷺ مستندی جز وحی الهی نبود و هرگز این آگاهی را از مجاری و اسباب عادی مانند موازنه قدرتهای نظامی دو ملت، بررسی روحیه سربازان و افسران و... به دست نیاورده بود. وی در محیط حجاز بریده با خارج نبودن وسایل ارتباط جمعی و یا تبادل اطلاعات نظامی و سیاسی، یک چنین گزارش را در اختیار جامعه نهاد و به همین دلیل این گونه خبرهای غیبی، یکی از جهات اعجاز این کتاب جاویدان به شمار می رود (سبحانی، ۱۴۱۰: ج ۸، ص ۲۸۹ و ۲۹۰).

در هر حال این نوع آینده شناسی اختصاص به خدای متعال دارد و آینده پژوهی را راهی به آن نیست؛ هر چند بسیاری از پیشگویی های غیبی و وحيانی می تواند در شناخت آینده مفید و پرثمر باشد. به همین جهت آینده پژوهی دینی

تنها با استفاده از آموزه های غیبی و وحیانی - که در منابع دینی ذکر شده - می تواند مسیر مطمئن تر و روشن تری را در شناخت آینده طی کند. براین اساس آینده پژوهان باید این موارد را از نصوص معتبر استخراج کرده و در تحلیل و تبیین آینده، مورد توجه قرار دهند.

۳. آینده شناسی آرمان گرا

انسان همیشه با داشتن آرمان های بلند و آرزوهای متعالی، رو به آینده ای زیبا و با شکوه دارد؛ به همین جهت تصویر پردازی روشن و واقعی از آینده، مسیر زندگی او را تغییر داده و در جهت درست و تاثیر گذار قرار می دهد. قرآن با تصویر جامعه ای آرمانی و مطلوب، بر اراده و خواست انسان ها تاثیر می گذارد و باعث حرکت و رشد جوامع می شود. آرمان گرایی قرآنی، افکار و اندیشه مسلمانان را همواره متوجه آینده کرده و آنان را برای رسیدن به آن جامعه کامل تشویق نموده است. این امر به اندازه ای مهم، قطعی و بایسته توجه است که خدای متعال خود تحقق جامعه آرمانی اسلامی را بر روی زمین وعده داده است: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...﴾ (نور: ۵۵). این جامعه آرمانی، دارای ابعاد و ویژگی هایی است که در صفحات بعدی به آنها اشاره خواهد شد. مهم ترین هدف و برنامه این جامعه رسیدن به سعادت و کمال واقعی است که در پرتو دوراندیشی و خرد ورزی به دست می آید. جامعه آرمان گرای قدسی، با نگاه جامع و دقیق به آینده برای اعلای کلمه الله و حاکمیت عقلانیت، معنویت و عدالت می کوشد. بر اساس آرمان گرایی قرآنی، شرط رسیدن به این جامعه مطلوب، اراده های توانمند و پر تلاش انسان ها است. بر این اساس آینده پژوهی، به طور کامل از آرمان گرایی قرآن بهره برده و تصویر جامع و روشن آن را به عنوان چشم انداز قدسی، برای جامعه بشری ارائه می دهد.

۴. آینده شناسی معنا گرا

بر اساس سنت الهی؛ تنظیم رفتارهای فردی و اجتماعی بر اساس و منطبق با تقوای الهی، به سامان یافتن امور خواهد انجامید ﴿مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا * وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾ (طلاق: ۲ و ۳). طبیعت نیز در این امر، در خدمت فرد یا جامعه بشری قرار گرفته و در جهت ارتقای استعداد های روحی و درجات معنوی از طریق عبودیت بوده است ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ (ذاریات: ۵۶). بر این اساس حفظ زندگی مادی، ناشی از روحی و معنوی است و انسان باید برای تدبیر این هدف، تقوا را رعایت کنید. در این صورت مبنای شکل گیری آینده امن و پایدار برای چنین فرد یا جامعه ای، پاکی و پرهیزگاری و نیکوکاری خواهد بود ﴿قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ﴾ (زمر: ۳۰).

براین اساس یکی از قوانین حاکم بر تاریخ، این است که رعایت تقوا و دستورهای دینی، موجب افزایش نعمت های مادی و معنوی می شود. ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (اعراف: ۹۶).

و نیز: ﴿وَ أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُم مَّاءً غَدَقًا﴾ (جن: ۱۶) این آیات از رابطه ای معین سخن به میان می آورند، که عبارت است از: رابطه بین پایداری و اجرای احکام خدا و پیاده کردن اوامر الهی، در صحنه علم با فراوانی خیرات و برکات و تولید. این مسئله، به هیچ عنوان در مطالعات آینده پژوهی، لحاظ نمی شود و وظیفه آینده پژوهی دینی است که وارد این حوزه شده و رابطه بین معنویت و تغییرات تحولات آینده را باز کاوی کند.

در اینجا ملاحظه می شود که قرآن کریم با تاکید، این منطق را مطرح می فرماید: که اگر در جامعه ای عدالت در توزیع حاکم باشد، محصول و نتیجه مستقیم آن فراوانی تولید خواهد بود... اگر جامعه عدالت توزیع را رعایت کند و

موازين آن را در نظر بگيرد، نه تنها از جهت ثروت حاصله، گرفتار تنگنا نخواهد شد و مردم از اين جهت به فقر و تنگدستی نخواهند افتاد؛ بلکه حتی ثروت و مال و خيرات و برکات جامعه را افزايش هم خواهد يافت.

سنت تاريخ به تأکيد می گوید: که پياده کردن ادیان و مذاهب الهی و آسمانی و کاربرد جدی و محکم دستورها و احکام دینی در روابط توزيع، هميشه و به طور مستمر فراوانی توليد، ازدياد محصول و افزايش ثروت را به بار می آورد و نهايتاً به گشايش درهای خير و برکات از آسمان و زمين بر روی مردم منتهی می شود و اين یکی ديگر از سنتها و قوانين تاريخ است.. (ر.ک: شهيد صدر، ۱۳۸۳: ص ۸۰ و (۸).

چنين آینده پژوهی ای، نه تنها در صدد شناخت و ساخت آینده است؛ بلکه عوامل مهم آنها را نیز مطرح کرده و نظام های بشری را متوجه آن می کند. اين آینده پژوهی معنوی؛ بر تأثیر ویژه ارزش های اخلاقی و هنجارهای انسانی بر شکل گیری آینده مثبت و متعالی تأکید می ورزد و همگان را بر پايبندی به دين و معنویت دعوت می کند تا نتايج درخشان آن را به زودی در زندگی خود شاهد باشند.

۵. آینده شناسی غایت گرا

از نظر قرآن، جهان و هر آنچه که در آن هست، رو به سمت و جهت مشخص و معینی در حرکت است. اين حرکت و پويش کلان، طوری برنامه ریزی شده که همه تحولات و دگرگونی ها را تحت تأثير خود قرار می دهد و چیزی خارج از آن رخ نمی دهد. آری نه تنها انسان، بلکه جهان و هر آنچه در آن هست به سوی خدا گام می سپرد و هيچ حرکتی و تغييری بيهوده و بی هدف نیست. قرآن می فرماید:

﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ (ص: ۲۷).﴾

از اين آیه و آیات ديگری که به همين مضمون وارد شده است (ر.ک: روم:

آیه ۸؛ آل عمران: آیه ۱۹۱؛ دخان: آیه ۳۸،) این مطلب به دست می‌آید که جهان هستی بر اساس حق آفریده شده و بنابراین هدف شکوهمند و متعالی‌ای را در آینده دنبال می‌کند و آفرینش جهان، باطل و بیهوده و بازیچه نیست. این آینده روشن، رسیدن انسان به رشد و تکامل است و عالم هستی، به منزله میدان بزرگی است که انسان باید در آن مسابقه بدهد و تحت آزمایش و امتحان قرار گیرد؛ چنان که در قرآن آمده است: ﴿وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ﴾. (جاثیه: ۲۲).

بر این اساس میان انسان و سایر موجودات جهان، یک تفاوت اساسی وجود دارد و آن اینکه موجودات دیگر بدون اراده و اختیار و به تعبیر قرآن ﴿طَوْعاً وَكَرْهاً﴾ (آل عمران: ۸۳؛ رعد: ۱۵)؛ این هدف را دنبال می‌کنند؛ ولی انسان از روی آزادی و اختیار به این هدف خواهد رسید و با جهان آفرینش هماهنگ خواهد بود. در توضیح این مطلب گفتنی است: انسان به خاطر داشتن آزادی و اختیار از یک سو و داشتن علم و آگاهی از سوی دیگر، یکی از دو راه را باید انتخاب کند: یا باید خودش را با نوامیس خلقت و نظام آفرینش و روح هستی هماهنگ سازد و یا اینکه سرباز زند و در برابر خدا قد علم کند و راه شیطان را برود و آینده تیره و تاری برای خود رقم بزند.

آنچه که قرآن بر آن تأکید می‌ورزد، این است که انسان راه اول را برگزیند و خود را با هدف آفرینش منطبق سازد؛ یعنی آینده خود را هدف مند کند و این هدف مندی نیز در راستای هدف خلقت باشد. از نظر قرآن هدف از آفرینش انسان، عبادت خداست (در معنای وسیع آن) و انبیا همه برای بیان همین معنا آمده‌اند تا انسان با وصول به این هدف، با جهان هستی هماهنگ باشد.^۱

آینده پژوهی با توجه به این نکته مهم، می‌تواند سمت و سوی رویدادها و

۱. ر.ک: یعقوب جعفری، ۱۳۶۶: ص ۶۵ و ۶۶.

حوادث را شناسایی کرده و همواره در تحلیل های خود، این غایت مندی و هدف اساسی را مورد توجه قرار دهد.

البته رویکردهای دیگری را نیز می توان درباره آینده شناسی قرآن ارایه کرد که از مجال این نوشتار خارج است و باید پژوهش های دقیق و جدی تری در این زمینه صورت گیرد. با توجه به این رویکردها، مشخص می شود که مؤلفه های زیادی برای آینده پژوهی در قرآن وجود دارد و به غیر از غیب (که در حیطه علم الهی است)، انسان می تواند از منظر های مختلف وارد این حوزه شود.

آینده آرمانی قرآن (جامعه موعود قرآن)

یکی از مأموریت های آینده پژوهی این است که به مردم کمک کند تصویرهای خویش را از آینده بسازند. ایجاد تصویرهای مثبت از آینده (آینده های مطلوب و مرجح) و اقدام به طرح ریزی و تصمیم گیری براساس آن تصویرهای مثبت، امری بایسته و تأثیرگذار در پیشرفت و تعالی جامعه است. در واقع ترسیم الگوی آرمانی جامعه از منظر باورها و ارزش های بنیادین آن جامعه، می تواند نقش اساسی در توجه جدی افراد به آینده داشته و منجر به تحرک و پویایی آن شود. این امر با ترسیم چشم انداز برای یک جامعه میسور است. چشم انداز عبارت است از: تصویر مطلوب و قابل دستیابی جامعه در یک افق زمانی معین بلند مدت که متناسب با مبانی ارزشی و آرمانهای نظام و مردم تعیین می گردد. چشم انداز تصویری واضح و مطلوب از آینده است که همگان برای تحقق آن باید بکوشند و نیروها و توانایی های خود را در آن جهت قرار دهند.

در واقع آینده پژوهی، در برگیرنده مجموعه تلاش هایی برای ارائه تصاویر و بدیل هایی از آینده است که عمدتاً با استفاده از تحلیل منابع، الگوها و علل تغییر صورت می پذیرد و تصویر مطلوب تر و کامل تر از آینده به دست می دهد. این علم سعی دارد با نگاه به آینده های بلندمدت، ضمن شناسایی روندها و رویدادها،

چگونگی به تصویر کشیدن آینده مطلوب را نیز بیان کند. از این جهت «آینده پژوهی» تلاشی است برای یافتن تصویری از آینده و سپس ارائه توجیهی برای آن تصویر. از دیدگاه آینده پژوهان برای رسیدن به این امر باید به یک سری مفروضات توجه کرد.

مفروضات کلیدی در آینده پژوهی عبارت است:

۱. زمان، پیوسته، خطی، یک‌سویه و بازگشت‌ناپذیر است. رویدادها در زمانی پیش یا پس از رویدادهای دیگر به وقوع می‌پیوندند و پیوستار زمان، گذشته، حال و آینده را تعریف می‌کند.

۲. چنین نیست که هر چه در آینده وجود خواهد داشت، در گذشته یا حال نیز وجود داشته است. بنابراین چه‌بسا آینده، بستر پدیده‌هایی فیزیکی، زیستی یا اجتماعی باشد که پیش‌تر، هرگز وجود نداشته‌اند.

۳. اقدام بشری، نیازمند آینده‌اندیشی است چراکه پیامدهای هر اقدام، همواره در بستر آینده آرمیده‌اند؛ اما توده مردم و حتی تصمیم‌گیران تراز اول، چندان خوب، درباره آینده نمی‌اندیشند و این در حالی است که می‌توان قدرت و سودمندی تفکر درباره آینده را بهبود بخشید.

۴. برای پیشبرد اهداف و برنامه‌های بشر در جهان، چه در چارچوب‌های فردی و چه در قالب‌های گروهی، سودمندترین دانش‌ها، دانش آینده است. انسان‌ها همراه با زمان، پیوسته به سوی آینده در حرکت هستند. آن‌ها برای برنامه‌ریزی، بررسی گزینه‌های بدیل، گزینش اهداف و تصمیم‌گیری درباره نحوه اقدام، به شناخت آینده و آگاهی از چگونگی تأثیر علت‌های امروز بر معلول‌های فردا، نیاز دارند.

۵. هیچ شاهدهی درباره آینده وجود ندارد و نمی‌توان آن را به عینه دید. بنابراین هیچ حقیقتی درباره آینده وجود ندارد [مگر آنچه که از راه غیب و وحی به دست انسان می‌رسد]. اما می‌توان برای شناخت آینده، نوعی دانش مبتنی بر

حدس و گمان استخراج کرد.

۶. آینده از پیش تعیین شده نیست و کمابیش امکان تغییر آن وجود دارد. از آنجا که آینده، هنوز روی نداده است، برای بشر - به عنوان موجودی صاحب شناخت - غیرقطعی به شمار می‌آید. برای انسان زنده‌ای که در راستای پیشبرد اهداف خود در جهان تلاش می‌کند، آینده نماد اختیار، قدرت و امید است؛ آینده، زمانی است که چه بسا رؤیاهای بشر را به واقعیت تبدیل نماید.

۷. اقدام‌های فردی و گروهی ما، کمابیش پیامدهای آتی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. ارادهٔ بشر، دست کم به بخشی از آینده شکل می‌دهد؛ خواه این تأثیر از طریق کنترل بشر اعمال شود، خواه با انطباق ناشی از پیش‌بینی.

۸. با توجه به وابستگی متقابل پدیده‌ها در جهان، هم برای سازمان‌دهی دانش معطوف به تصمیم‌گیری و هم برای اقدام اجتماعی، به دیدگاهی کل‌گرایانه و فرارشته‌ای نیاز داریم.

۹. برخی آینده‌ها بهتر از برخی دیگر هستند. ارزش‌ها و آن دسته از فرآیندهای ارزشیابی که سنگ بنای قضاوت‌های ما دربارهٔ آینده‌های مرجح و مفاهیم جامعهٔ خوب هستند، در آینده‌پژوهی مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت. آینده‌پژوهان تأکید می‌کنند که انسان‌ها می‌توانند نقشه‌های بدیلی برای آینده‌های پرشمار ممکن بسازند و حتی این کار را نیز انجام می‌دهند - و البته باید چنین کنند - اما نباید فراموش کرد که به گفتهٔ بل در حقیقت، تنها "یک آینده وجود خواهد داشت، پس بهتر است اطمینان یابیم که این آینده، همان آیندهٔ دلخواه ماست" (وندل بل، ۱۹۹۷: ص ۲۵۵).

این مفروضات کلیدی آینده پژوهی نیاز به یک بازنگری جدی از منظر دینی و قرآنی دارد؛ زیرا مهم‌ترین رکن آینده پژوهی قرآنی باور به یک آینده قطعی، حتمی، روشن و واقعی است. بر این اساس باید بر مفروضات آینده پژوهی توحیدی بودن تغییر و تحولات جهان و قدرت قاهر الهی را بیفزاییم و در ضمن

آنکه به اختیار و اراده انسان نیز توجه ویژه ای شده - و از این جهت خود مشوق انسان‌ها برای حرکت و آینده سازی است - برنامه ای کامل و جامع نیز برای آینده انسان در نظر گرفته شده است. این جامعه موعود باید چراغ راه و کانون محوری فعالیتها و برنامه ریزی های انسان باشد و بر همه شوون زندگی او اثر بگذارد. پس باید به کمک آینده پژوهی اعلام کنیم که: تنها "یک آینده وجود خواهد داشت، پس بهتر است اطمینان یابیم که این آینده، همان آینده دلخواه ماست." و این همان جامعه آرمانی قرآن و آینده موعود الهی است که در مهدویت تجلی یافته است.

۱۳۹

اسطرار موعود

آینده پژوهی قرآنی و ... رجیم کارگر

چشم انداز آینده در قرآن

دیدگاه قرآن درباره سرانجام بشر، دیدگاهی خوشبینانه بوده و پایان دنیا، پایانی روشن و سعادت آمیز دانسته شده است. سرانجام سعادت مند جهان، همان تحقق کامل غرض آفرینش انسان‌ها است که چیزی جز عبادت خداوند نخواهد بود. قرآن درباره سرنوشت جامعه‌ها به روشنی سخن گفته است. از نظر قرآن مشیت الهی بر این تعلق گرفته که در آینده، فقط صالحان وارثان زمین خواهند بود و حکومت جهان و اداره امور آن را به دست خواهند گرفت و حق و حقیقت در موضع خود استوار بوده و باطل برچیده خواهد شد. همه جهانیان زیر لوای حکومت صالحان قرار گرفته و حکومت واحدی بر جهان مستولی خواهد شد. آینده در قرآن کریم مبتنی بر وعده تحقق یک جامعه کامل و مطلوب، تشکیل حکومت واحد جهانی اسلام، بسط دین اسلام، غلبه آن بر همه ادیان، زمامداری صلحا و ارباب لیاقت و پیروزی حزب الله است. در این زمینه، آیات بسیاری در قرآن کریم وارد شده است. در کتاب «المحجه فی ما نزل فی القائم الحججه» تألیف محدث و مفسر خبیر سید هاشم بحرانی است، ۱۲۰ آیه به استناد احادیث وارد شده، بر جامعه آرمانی مهدوی تطبیق شده است.

در نویدهای قرآن کریم، چند رکن اساسی برای جامعه موعود بیان شده است:

۱. حکومت بزرگ و کامل جهانی براساس خداپرستی، به رهبری موعود قرآنی، شکل گرفته و اداره آن به دست مردم صالح و با ایمان خواهد بود.
۲. برنامه جامع و فراگیر دینی و حاکمیت مطلق الهی در سرتاسر جهان، بدون کم و کاست، محقق و همه احکام اسلام اجرا خواهد شد.
۳. نا امنی، تشویش، سختی‌ها و هراس مردم از بین رفته و آرامش و امنیت کامل در سراسر گیتی برقرار خواهد گردید.
۴. همگان خدای یکتا را پرستش خواهند کرد و هرگونه شرک و بت پرستی ریشه کن خواهد شد.^۱

در این رابطه تنها به بیان چند آیه بسنده می‌شود. قرآن مجید می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ». (انبیاء: ۱۰۵) پس اسلام ادامه ادیان پیشین آسمانی است که جملگی به بشریت، آینده سعادت مندانه را نوید می‌دهند تا فرمانروایی زمین و جهان از آن طلایه داران با ایمان و نیکوکار گردد و زمانی که این فرمانروایی به دست افراد با ایمان و نیکوکار بیفتد، فرصتی برای سعادت و شادکامی بشر، دست خواهد داد.

در آیه دیگر می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه: ۳۳). این آیه سه بار در قرآن کریم تکرار شده است تا وعده پروردگار را در مورد گسترش دین اسلام در پهنه‌ی گیتی و پیدایش حقیقی و بکار بردن آنرا در پی ناکامی همه مکاتب و ادیان دیگر به ثبوت برساند. قرآن در جای دیگر می‌فرماید: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: آیه ۵).

پروردگار، گروه‌های ستم‌دیده و مستضعف و رنج‌دیده‌ی زمین که بهترین

۱. ر.ک: ظهور حضرت مهدی عج از دیدگاه اسلام، مذاهب و ملل جهان، هاشمی شهیدی، ص ۱۹۷.

نمونه‌های آنان ائمه برحق و اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله هستند، منت خواهد گذاشت تا عملاً رهبری جهان را به عهده گیرند و در پناه حکومت عدل و ایمان وارثانزمین شوند. اینها همه به راستی نشانه‌های روشنی است که تاکید بر این دارند که حق سرانجام پیروز شده و پیروان حق زمام جهان را بدست گرفته و آن را بساحل امن و امان رهنمون خواهند شد.

قرآن همچنین می‌فرماید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» (نور، ۵۵).

خداوند بر اساس این آیه به مؤمنان صالح وعده داده که آنها را خلیفه روی زمین خواهد کرد و حکومت تمام جهان را در اختیار آنها خواهد نهاد. دین اسلام را به طور ریشه دار و اساسی بر روی زمین پیاده خواهد کرد. همه اسباب خوف و ناامنی برای مؤمنان و صالحان از بین خواهد رفت، امنیت و آسایش کامل برای آنها محقق خواهد شد و از همه مهم‌تر در سراسر زمین تنها خداوند مورد پرستش واقع می‌شود و هرگونه شرکی به کلی از صفحه روزگار محو خواهد شد.

شهید مطهری درباره جمله آخر این آیه (مرا عبادت کنند و چیزی را شریک من قرار ندهند) می‌فرماید: «جمله آخر این آیه که ناظر به این است که آنگاه که حکومت حق و خلافت الهی برقرار می‌شود، اهل ایمان از قید اطاعت هر جباری آزاد می‌شوند... از این آیه معلوم می‌شود که از نظر قرآن هر اطاعت امری، عبادت است. اگر برای خدا باشد طاعت خداست و اگر برای غیر خدا باشد شرک به خداست. این جمله عجیب است که فرمانبرداریهای اجباری که از نظر اخلاقی به هیچ وجه عبادت شمرده نمی‌شود از نظر اجتماعی عبادت شمرده می‌شود.» (مطهری، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۱۲۶).

خلاصه آنکه در زمینه آینده جهان و ظهور و قیام منجی موعود و جامعه آرمانی مهدوی، می‌توان توصیفات و اشارات زیر را از قرآن به دست آورد:

۱. غلبه نهایی حق بر باطل و شکست جبهه کفر و فساد و نفاق (اسراء: ۱۷ و آیه ۸۱)؛
 ۲. جانشینی و خلافت مستضعفان بر روی زمین و حاکمیت صالحان و نیکان (قصص: ۵؛ انبیاء: ۱۰۵)؛
 ۳. گسترش و فراگیری دین حق در برهه‌ای خاص از زمان (توبه: ۲۳)؛
 ۴. از آن روز موعود، تحت عناوین ایام اللّه (جائیه: ۱۴؛ ابراهیم: ۵، وقت معلوم (ر.ک: حجر: آیات ۳۶-۳۸)، روز نصرت و پیروزی (عنکبوت: ۱۰). و طلوع فجر و سلامتی (قدر: ۵۰) یاد شده است؛
 ۵. خداوند، با مهدی موعود، نور خود را کامل می‌کند (صف: ۸)؛
 ۶. در آن عصر، زمین بعد از مرگش، زنده می‌شود (حدید: ۱۷)؛
 ۷. او منصور از جانب خدا و انتقام گیرنده از دشمنان است (شوری: ۴۱)؛
 ۸. زمین، به نور پروردگار، روشن خواهد شد (زمر: ۶۹)؛
 ۹. در روز پیروزی، ایمان آوردن کافران، سودی به حالشان نخواهد داشت (سجده: ۲۹)؛
 ۱۰. هر چه در روی زمین است، تسلیم و مطاع او خواهند شد (آل عمران: ۸)؛
 ۱۱. حضرت مهدی ﴿يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ﴾ است (نور: ۳۵).
- این نوع تبیین روشن و کامل از آینده، می‌تواند تاثیر بسزایی در شکل‌گیری یک آینده پژوهی کامل و متعالی داشته باشد و انقلاب و تحول بزرگی در جوامع جهانی به وجود آورد.

نتیجه گیری

آینده پژوهی قرآنی، مبتنی بر یک سری مؤلفه‌ها و رویکردهایی است که در این مقاله به شماری از آنها اشاره شد؛ ولی مهم‌ترین رویکرد قرآنی، خلق چشم‌انداز جامع و مطلوب از آینده است.

ظهور منجی موعود، از آموزه‌های مشترک و فراگیر ادیان آسمانی است که به عنوان جامعه آرمانی قرآن و الگوی یک جامعه مطلوب و کامل مطرح است. شکل

گیری جامعه موعود مهدوی، تحقق بخش آرمان دیرپای بشری برای زندگی در یک مدینه فاضله است. این مدینه فاضله در زمین به دست حق پرستان و به رهبری مصلح موعود و با یاری امدادهای الهی به وجود آمده و او اداره آن را در دست خواهد گرفت. این جامعه پایان حرکت تاریخ و آغاز حیاتی متکامل و بدون کاستی و نقص است. شیعه - با توجه به منابع قرآنی و روایی - به روشنی و صراحت درباره این جامعه موعود و آرمانی، بحث نموده و تصویری جامع و کامل از «مدینه فاضله مهدوی» ارائه کرده است. در جامعه اسلامی ما این آرمان شهر از طریق آیات و روایات در قالب «جامعه مهدوی» صورت بندی شده و دانشمندان و متفکران باید با تدبر و تحقیق در آیات و روایات و سایر منابع معتبر دینی، نسبت به شناخت و تبیین آن به زبان روز اقدام نمایند.

باور ژرف و ریشه دار به مهدویت و جامعه اسلامی بدین معناست که آینده بلندمدت جامعه و بلکه جوامع بشری بسیار روشن است، و همه می دانند که صبح بشریت، با طلوع خورشید عدالت رنگ و بوی دیگری خواهد گرفت. این باور ژرف و امید آفرین سمت و سوی سیاست گذاریها و طرح های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را مشخص می کند و به زندگی انسانها جهت می دهد. همچنین دریای معارف و اطلاعات درباره آینده و تغییر و تحولات آن است که می تواند منبع مطمئنی برای کشف و شناخت آینده باشد.

مسئله مهم این است که اندیشه مهدویت تا چه میزان می تواند در تنظیم زندگی امروز جوامع به کار آید؟ با توجه به چشم انداز قدسی آینده - که بر اساس اصول و آموزه های قرآنی - ترسیم می شود، ویژگی های کلان زندگی آینده بشری بر اساس آموزه مهدویت و ظهور منجی موعود چگونه باید باشد؟

با توجه به گسترش مباحث آینده پژوهی در کشور، با چه سازوکاری می توان نگرش دینی و آرمان غایی دینی (دولت کریمه) را با آینده پژوهی تلفیق کرد؟ آیا از طریق مباحث آینده پژوهی می توان به آرمان مهدویت نزدیک شد؟ و آیا اساسا

آینده پژوهی ظرفیت بحث های مرتبط با مهدویت را دارد؟ آیا می توان بحث آینده پژوهی را در وهله اول با دین و در وهله دوم با حوزه مطالعات مهدویت پیوند بزنیم؟ آیا می توان از آینده پژوهی بومی سخن به میان آورد؟ و در نهایت اینکه آیا می توان برای آن پژوهشکده و گروه پژوهشی تعریف و ترسیم کرد؟

آینده پژوهی تلاشی است برای یافتن تصویری از آینده و سپس ارائه توجیهی برای آن تصویر و یکی از مأموریت های آن این است که به مردم کمک کند تصویرهای خویش را از آینده بسازند و آموزه مهدویت در این راستا کامل ترین برنامه و بهترین الگوی قرآنی توسعه و پیشرفت جوامع است.

خلاصه آنکه آینده پژوهی به عنوان ابزار ترویج مهدویت در سطح جهان است که می توان نشانگر جامعه مطلوب قرآنی به نحو احسن باشد. ارتباط آرمانشهر با آینده پژوهی و نقش و جایگاه دین در آن روشن و بدیهی است و مهدویت نیز همان آرمان شهر قرآنی است. در صورتی که نگرش ما به آینده اراده گرا یانه باشد، باید بدانیم که اراده گرایی مستلزم برنامه ریزی و تلاش برای تغییر است و جامعه منتظر، جامعه ای است که با اراده خود آینده را می سازد و تغییر می دهد و این خواسته قرآن از همه پیروان خود است. آینده پژوهی به مثابه ابزاری برای کاربردی کردن مهدویت برای بشر امروز است؛ یعنی الگوی آرمانی قرآن به کمک آینده پژوهی می تواند برای جامعه انسانی عینی تر و شفاف تر شده و راه های تحقق آن تبیین گردد. در واقع مهدویت زبان آینده قرآن است که به کمک آینده پژوهی، باید به دنیا معرفی شود. مهدویت در برنامه ریزی آینده می تواند به عنوان یک ستاره راهنما در بالا قرار بگیرد و همواره در هر مقطعی، تصویر مطلوب قرآن از آینده را با توجه به وضعیت کنونی خلق نماید و این یعنی کاربردی کردن مهدویت، و خارج کردن مهدویت از یک موضوع صرفاً منفعل ذهنی. گسترش ادیان، به ویژه دین اسلام به علت چشم اندازی بودن آن است، که این چشم انداز خاصیت توسعه یابندگی، پیش روندگی، الهام بخشی دارد. و از همین جاست که

آینده پژوهان معتقدند دین یعنی چشم انداز، و دین از جنس آینده پژوهی است. مهدویت به مثابه عاملی «چشم انداز آفرین» می‌تواند از مرز باورهای فردی فراتر رفته و در بطن و متن برنامه ریزیهای بلندمدت اجتماعی بنشیند. مهدویت به عنوان مقصد، یک امر قطعی است، اما راه رسیدن به آن مقصد مشخص نیست و احتیاج به پژوهش دارد، و از آنجا که مهدویت بیشترین ارتباط را با مطالعات آینده دارد، آینده پژوهی به مثابه ابزار می‌تواند این راه را به ما نشان دهد. استفاده از ادبیات آینده پژوهی برای ایجاد باور پذیری بیشتر در بین نسل جوان امری ضروری و بایسته است. مهدویت می‌تواند یک روایت فرهنگی برای ما باشد، و از آنجا که عصر ما، عصر جدال فرهنگ هاست، ما باید مجهز به ابزارهای این عصر باشیم. این روایت می‌تواند ما را به سوی آینده پژوهی بومی، رهنمون سازد. یکی از کارکردها و وظایف مسلم آینده پژوهی در هر جامعه (و در سطح بالاتر در هر تمدن) ترسیم الگوی آرمانی جامعه از منظر باورها و ارزش‌های بنیادین آن جامعه یا تمدن است، آن چه که از گذشته به مدینه فاضله یا آرمان شهر موسوم بوده است. طراحی این مدینه فاضله بر عهده «آینده پژوهی تصویرپرداز» است. به نظر برخی از پژوهشگران جامعه‌ای چون ایران اسلامی، که تحت یک نظام دینی هدایت می‌شود، لاجرم باید به یک نظام «آینده پژوهی دینی» مجهز باشد که از قرآن نشات گرفته و دارای برنامه‌ای روشن و جامع باشد. از آنجا که مهدویت هدف غایی مشخصی بر پایه «تکلیف» دارد، می‌توان آینده پژوهی مرتبط با مهدویت را آینده پژوهی ماموریت‌گرا نامید، یا به عبارتی دیگر، آینده پژوهی تکلیفی. (در مقابل آینده پژوهی تدبیری). هیچ نوع آینده پژوهی و هیچ نوع نظام آینده پژوهی دینی را نمی‌توان در جامعه متصور شد، مگر آنکه باور به مهدویت و پیامدهای مبارک آن در هسته‌ی مرکزی آن قرار داشته باشد. و این باور به آینده‌ی روشن توسط انبیاء و اولیاء الهی به وضوح ترسیم گردیده است. بنابراین آینده‌نگری و باور به آینده‌ی بهتر در جامعه‌ی ما، کاملاً نهادینه شده است.

خلاصه آنکه امروزه آینده پژوهی، جایگاه و اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده و بسیاری از مؤسسات، نهادها، شرکت‌ها، سازمان‌ها و کشورها سهم به سزایی برای آن قائل شده‌اند ضرورت توجه به آینده پژوهی و لزوم تمایز بخشی آینده پژوهی دینی از آینده پژوهی سکولار، ما را ترغیب می‌کند که از منظر خاص (بخصوص از منظر قرآن کریم)، به این دانش پردازیم و در صدد شکل دهی به یک آینده پژوهی مستقل دینی (بر اساس الگوی مهدویت) بر آییم.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. کارگر، رحیم، *آینده جهان*، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی، ۱۳۸۵ش
۳. سهیل، عنایت الله، *پرسش از آینده*، ترجمه مسعود منزوی، تهران: مرکز آینده پژوهی علوم و فن آوری دفاعی، ۱۳۸۸ش
۴. اسلاتر، ریچارد، *نواندیشی برای هزاره نوین*، ترجمه عقیل ملکی فر و همکاران، تهران: مرکز آینده پژوهی علوم فناوری دفاعی، ۱۳۸۴ش
5. Bell, Wendell, *Foundation of Future Studies*, vol. ii, New Brunswick, Transactions Publishers, 1997م.
۶. عیوضی، محمد رحیم، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال ۶، شماره ۱۸، ۱۳۸۸ش.
۷. طباطبایی، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، تهران: دار الکتب الإسلامیه، (۱۳۸۶)
۸. صدوق، من لا یحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین ۱۴۱۳ ق.
۹. سبحانی، جعفر، *تفسیر منشور جاوید*، قم: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۰ق.
۱۰. مصباح یزدی، محمد تقی، *جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن*، تهران: نشر بین الملل سازمان تبلیغات، ۱۳۷۹ش.
۱۱. جعفری، یعقوب، *بینش تاریخی قرآن*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۶ش.
۱۲. صدر، محمد باقر، *سنت‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ در مکتب قرآن*، ترجمه حسین منوچهری، انتشارات ۱۳۸۳ ش.
۱۳. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، قم: انتشارات صدرا، ج ۵، ۱۳۷۴ ش.

مرکز تخصصی مهدویت
حوزه علمیه قم



فصلنامه علمی - تخصصی
سال دهم، شماره ۳۲، بهار و تابستان ۱۳۸۹

نقش انقلاب اسلامی ایران در تغییر نگرش به آموزه مهدویت

امیر محسن عرفان*

تاریخ تأیید: ۱۳۸۹/۴/۵

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۲/۲۸

چکیده

درک و فهم حقیقت انقلاب اسلامی، کار ساده‌ای است؛ اما هر ساده‌ای را نمی‌توان به سادگی بیان کرد. برای راه یافتن به میدان این حقیقت به زمان نیازمندیم. اسلام و - با تأکید پر دامنه‌تر - تشیع، در ساحت فلسفه تاریخ، فرایند تمدن‌سازی و ایستگاه آخر جهان، تصویری توان‌مند، غایت‌خواه و آرمان‌گرا را در اندیشه مهدویت به رخ همگان کشیده است؛ اما این اندیشه در طول تاریخ با هول و هراس‌های بسیاری آمیخته شده و بعضاً با اجمال و اهمال به مهجوریت کشیده شده است. با پیروزی انقلاب اسلامی، آموزه مهدویت که در گرداب حوادث روزگار، مورد غفلت و کوتاهی قرار گرفته بود، به بطن زندگی مسلمانان آورده شد. نگارنده در این مقاله می‌کوشد، میزان تأثیر انقلاب اسلامی را در آموزه مهدویت و نگرش مردم به این آموزه، نشان دهد. کلیدواژه‌ها: مهدویت، انقلاب اسلامی، انتظار، امام خمینی علیه السلام، زمینه‌سازی، ولایت فقیه، نگرش.

مقدمه

وقوع انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی علیه السلام یکی از رخداد‌های بزرگ نیمه دوم سده بیستم بود که سبب تغییرات و تحولات فراوان در کشورهای

*. دانش آموخته سطح ۳ مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم.